



پوپولیسم پشت در است

کندوکاوی درباره ماهیت پوپولیسم ایرانی در گفت وگو با علی سرزعی

درباره پوپولیسم و مخاطرات آن برای جامعه ایرانی با علی سرزعی استاد اقتصاد گفت وگو کرده ایم. او نویسنده کتاب «پوپولیسم ایرانی» است که طی آن کارنامه اجرایی محمود احمدی نژاد را بررسی کرده است.

■ **شمار کتاب خود سیاست‌های پوپولیستی آقای احمدی نژاد را بررسی و نقد کردید. اما آقای احمدی نژاد به تازگی اعلام کرده بدون احتساب نفت هم می‌توان ماهانه به هر ایرانی یک میلیون تومان پرداخت کرد.**

احتمالاً منظور آقای احمدی نژاد این بود که قیمت حامل‌های انرژی را اصلاح و درآمد آن را به صورت مساوی میان مردم تقسیم می‌کنیم. اتفاقاً در کتاب خود نوشتم که با این کار موافقم و این پوپولیسم نیست. اصلاح طلبان هم به اشتباه تصور کردند که این ایده پوپولیستی است. حتی آقای محسن رزانی، آیت‌الله جواد آملی و سیاستمداران ماهم این تصور اشتباه را داشتند، در حالی که پرداخت یارانه نقدی کار درستی بود و اگر اشکالی وجود داشته باشد، این است که چرا این دولت این کار را انجام نداد.

■ **بر چه مبنایی معتقدید که این ایده پوپولیستی نیست؟**

توزیع حامل‌های انرژی اعم از بنزین که دست دولت است، یا باید به صورت برابر برای همه ایرانیان باشد یا به نفع فقرا باشد. اما اکنون این حامل هاتنها به نفع ثروتمندان توزیع می‌شود. چه کسانی هر هفته به ویلاهای خود در استان‌های شمالی می‌روند؟ اینها چند درصد جامعه هستند؟ پول بنزین خودروهایی که افراد را چه کسی می‌دهد؟ دولت با یارانه‌های خود، اما از جیب چه کسانی؟ از جیب فقرای جیب اغنیای می‌رود. حرف من به دولت فعلی هم این بود که اگر طالب دنیا هستید، باید شما این کار را نکنید، یعنی یارانه حامل‌های انرژی را حذف و پول آن را به فقرای بدهید. آخر چه نفعی دارد که شما این کار را نکنید؟ وقتی شما این کار را انجام نمی‌دهید، احمدی نژاد این کار را انجام می‌دهد و سود اجتماعی و سیاسی این اقدام هم برای اوست.

■ **اما آقای احمدی نژاد در همان زمان اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، توانست همه حاکمیت را پشت سر سیاست‌ها و راهبردهای خود بسیج کند، اما آقای روحانی نتوانست. مثلاً دیدیم که وقتی زمزمه افزایش قیمت بنزین مطرح شد، چه اتفاقی در کشور افتاد.**

بالاخره زمان‌هایی وجود داشت که آقای روحانی می‌توانست این اقدامات را انجام دهد. به عنوان مثال سرمایه‌ی سیاسی آقای روحانی بعد از برجام بسیار بالا بود و این زمان مناسبی برای اجرای این سیاست‌ها بود.

■ **اما حتی درباره برجام هم اجماع کلی وجود نداشت و پس از امضا و تصویب آن در مجلس، همچنان بگو مگو ادامه داشت.**

قبول، اما معتقدم آقای روحانی با آن سرمایه‌ی سیاسی که پس از برجام به دست آورد، می‌توانست کارهای زیادی انجام دهد. همین حالا شاهد پیگیری حذف ثروتمندان از فهرست افراد یارانه بگیر هستیم، چرا این فرآیند در سال ۹۴ اتفاق نیفتاد؟ می‌شد همان زمان انجام شود. واقعاً حیف شد. حق ما (به عنوان جریان سیاسی اصلاح طلب و اعتدال گرا) بود که چنین کارهایی را انجام دهیم تا این اقدامات مثبت به نام ما ثبت شود. این ما هستیم که باید کاری کنیم تا فقرا به سمت ما بیایند. اما ما از این فرصت‌ها استفاده نمی‌کنیم و در مقابل احمدی نژاد پرچمدار حمایت از فقرای می‌شویم.

■ **چرا از این فرصت‌ها استفاده نمی‌کنیم؟**

به خاطر تفکرات غلط. متأسفانه تصورات اکثر روشنفکران ما غلط است و فکر می‌کنند یارانه نقدی، یعنی گداپروزی، در حالی که دولت‌ها موظف هستند حداقل معیشت مردم را تأمین کنند، سپس جراحی‌های خود را آغاز کنند. بر همین اساس است که متوجه نمی‌شویم وقتی فعالیت کارخانه متوقف است، دولت باید به کارگران هیکوپول بدهد؟ کارخانه‌ای که تولید ندارد، کارگران هم مستحق دریافت پول نیست، مگر در صورتی که پولی برای حداقل معیشت به همه مردم داده باشیم. به عبارت دیگر، باید یارانه‌ها را واقعی کنیم و پول آن را به صورت مساوی میان مردم تقسیم کنیم. وقتی خیال دولت راحت شد که همه مردم از حداقل معیشت برخوردارند، در این صورت اگر کارگریا کارمندی بیکار شد، مسئولیت آن با دولت نیست. اما وقتی یارانه‌ها واقعی نمی‌شود و نقدی داده نمی‌شود، این گونه می‌شود که کل کشور به بهزیستی تبدیل می‌شود. به این معنی که دولت نیروی دارنده احتیاجی به آن ندارد، اما او را بیرون نمی‌کند، چون معیشت او به خطر می‌افتد. یا کارخانه تعطیل، کارگر همچنان حقوق می‌گیرد، زیرا حداقل‌های

معیشت را تأمین نکردیم. وقتی همه مردم و اقشار را به دولت متصل می‌کنیم، طبیعتاً کشور هم به بدترین شکل اداره خواهد شد.

■ **بنابراین معتقدید که یارانه‌های پنهان که رقم هنگفتی است باید شفاف و آشکار کرد و آن را به همه ایرانیان داد؟**

قیمت حامل‌های انرژی را واقعی کنیم و پول آن را به صورت مساوی به همه بدهیم. در این صورت اگر کسی هر هفته می‌خواهد به شمال برود، پول واقعی بنزین مصرفی خود را پرداخت می‌کند. اکنون چه کسانی هر هفته به شمال می‌روند و وجوه کباب مصرف می‌کنند؟ چرا باید به مرغ یارانه بدهیم، در حالی که تنها قشری از جامعه بیشترین مصرف را دارد؟ می‌توان قیمت مرغ را واقعی کرد و بقیه پول را به مردم نیازمندی داد که پول خرید مرغ ندارد تا او هم بتواند دردی از زندگی خود را دوا کند.



عکس: ایرنا

■ **پس چطور چنین سیاست یارویکردی، یعنی دادن یارانه نقدی به یک سیاست پوپولیستی تبدیل می‌شود؟**

ابتدا بپذیریم که دادن پول به مردم لزوماً بد نیست، آن هم در یک اقتصاد نفتی که همه یاد گرفته‌اند به شکل‌های پنهان پول نفت را بگیرند و قوانین و سازوکارها را بهم بریزند. سازوکار درست این است که اگر توانایی و تخصص دارید می‌توانید گره‌ای از کار دولت و مردم باز کنید، دولت شما را استخدام کند، اما اگر وجود شما مفید نیست، باید از دولت بیرون بروید، چرا باید از دولت حقوق بگیرید؟ اما در یک سیستم نفتی این قاعده بهم می‌خورد، به این معنی که دولت جایی است که به افراد حقوقی بدهد تا آب باریکه‌ای داشته باشند. این رویکرد غلط است و باید درست شود. راه حل دیگر این است که از پول نفت به همه مردم حداقل‌هایی بدهیم تا بتوانند زندگی خود را اداره کنند، اما در مقابل می‌توان انتظار داشت که دولت واقعاً دولت باشد، یعنی به هر میزان که لازم است، کارمند استخدام کند. به همین ترتیب، کارخانه‌ای که توجیه اقتصادی ندارد، باید تعطیل شود و کارگر هم باید شغل خود را از دست بدهد، زیرا شمارد مقابل حداقل‌های زندگی او را تأمین کردید. در این صورت، صنعت نباید انتظار داشته باشد تا وام‌های کم بهره بگیرد و بواسطه این وام‌ها سرپا بماند. یا این صنعت می‌تواند در بازار رقابت کند یا تعطیل می‌شود. اما حال در شرایط فعلی که سازوکارهای کشور بهم ریخته است، قیمت‌ها را بهم ریخته ایم و هیچ چیز هم درست نمی‌شود، در حالی که پرداخت آشکار یارانه‌ها می‌تواند زمینه کاهش اختلال را فراهم کند. در این رویکرد، پوپولیسم دادن منفعت کوتاه مدت به مردم است، اما در بلندمدت تخریب بزرگ ایجاد می‌کند. در حالی که اگر یارانه‌ها آشکار و به مردم داده شود، با دادن حداقل‌هایی به مردم، زمینه‌های اصلاح دولت و سازوکارهای اقتصادی شامل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و بهبود وضعیت صنعت فراهم می‌شود. بنابراین اگر یارانه‌های پنهان به یارانه آشکار تبدیل شود،